نشریه روزانه سومین دوره ۱۰ روز با عکاسان ایران

دوربین نت

کاغذباتله

شماره ۱۰

ویژه‌نامه کاغذباتله/ سومین دوره ۱۰ روز با عکاسان
شماره ۱۰/سه شنبه ۳۰ دی‌ماه ۱۳۹۳

دانلود نسخه PDF در بخش ویژه سایت دوربین.نت
10Rooz.doorbin.net

پنجم‌بهمن سیزدهمین دوسالانه‌عکس ایران کلید می‌خورد

سیزدهمین دوسالانه عکس ایران پنجم بهمن سال ۹۳ در موزه هنرهای معاصر تهران آغاز به کار می‌کند.

به گزارش روابط عمومی انجمن عکاسان ایران، سیزدهمین دوسالانه عکس ایران که امسال از سوی انجمن عکاسان ایران و با همکاری مرکز هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می‌شود، پنجم بهمن سال جاری در موزه هنرهای معاصر تهران آغاز به کار می‌کند.

این رویداد درحالی برگزار می‌شود که جامعه عکاسی ایران از دهم دی ماه ۹۳ طی ده روز یکی از گردهمایی‌هایی سالانه خود را برگزار کرد و سومین «ده روز با عکاسان» را با مشارکت هفت انجمن تخصصی عکاسی به پایان برد. پنج روز بعد از اتمام این حرکت، جامعه عکاسی ایران باردیگر دور هم جمع می‌شوند تا در سیزدهمین دوسالانه عکس ایران شرکت کنند. این دوسالانه همچنین امسال یک تفاوت عمده با دوره‌های قبل دارد. امسال وزارت ارشاد با عهده دار کردن انجمن عکاسان ایران در برگزاری این برنامه، باعث شده است اعضای یک انجمن تخصصی امور مربوط به یکی از بزرگترین رویدادهای عکاسی کشور را انجام دهند و با این کار مقدمه دیگری برای رشد و گسترش نهادهای تخصصی و خصوصی را فراهم آورند.

مراسم افتتاح سیزدهمین دوسالانه عکاسی ایران به دبیری اسماعیل عباسی ساعت ۱۷در موزه هنرهای معاصر تهران به نشانی خیابان کارگر، جنب پارک لاله برگزار می‌شود.

راستانی در «ده روز با عکاسان» کتابش را امضا کرد

رضا میرکریمی: محسن راستانی بزرگ‌تر از عکس است

رضا میرکریمی با حضور در سومین دوره «ده روز با عکاسان» از عکس‌ها و نگاهی که محسن راستانی در آثارش دارد، صحبت و اظهار امیدواری کرد با چاپ کتاب‌های بیشتری از این عکاس، دیگران هم از حاصل فعالیت‌های او بهره ببرند.

به گزارش روابط عمومی انجمن عکاسان ایران، محسن راستانی از دغدغه‌ها و اندوهی که به واسطه تاخیر انتشار عکس‌هایش در قالب کتاب پیش آمده است، افسوس خورد. او به سومین دوره «ده روز با عکاسان آمده بود تا در مورد «چگونه یک مجموعه عکس شکل می‌گیرد» صحبت کند اما زمانی که سخنانش به پایان رسید، نوبت به صحبت در مورد کتاب «زمان سخت» شد. این کتاب شامل عکس‌های راستانی از جنگ بوسنی و هرزگوین است که از سوی انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس منتشر شده و در روز افتتاحیه «ده روز با عکاسان» رونمایی شد. در همان مراسم افتتاحیه مجید ملانوروزی از سوی وزارت ارشاد، احمد مسجدجامعی از سوی شورای شهر و مجید سرسنگی از طرف خانه هنرمندان سه قطعه عکس این کتاب را خریداری کردند. در آن زمان راستانی به دلیل سفر نتوانست در مراسم رونمایی کتابش حاضر شود و حالا در نهمین روز برگزاری «ده روز با عکاسان» که به انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس اختصاص داشت، این فرصت پیش آمد تا در این مورد صحبت کند. در این بخش البته به پیشنهاد امید محمدنژاد که اجرای برنامه را برعهده داشت، قرار شد از دوستان و افرادی که او دوستشان دارد، دعوت شود تا روی سن بیایند و او در ادامه در مورد چاپ این کتاب گفت:«بعد از ۲۰ سال کتابم چاپ شد. واقعیت این است که ما بد آمده‌ایم و گاهی اوقات بد می‌رویم. الان باید بیستمین کتاب من چاپ می‌شد اما ۲۰ سال به عقب رانده شدم. عکاسانی که در بوسنی همپای من کار می‌کردند، کتاب‌هایشان بعد از ۳_۴ ماه منتشر شد. همه به ۲۰ سال آینده فکر می‌کنند و ما داریم ۲۰ سال گذشته را ترمیم می‌کنیم. بنظرم اسم این حصر است. من در حصر هستم وقتی نتوانستم پیشرفت کنم. مطمئن باشید ما آغازگران یک نگاه و رویا هستیم.»

ادامه در صفحه بعد

آغازی برای آینده‌ای روشن

مسعود زنده‌روح کرمانی

رئیس هیات مدیره انجمن عکاسان ایران

ده روز با هم.

ده روز در کنار هم، یک دل و یک صدا با اندیشه های گوناگون و ایده های متفاوت.

آنچه زیبا بود همین بود، با هم و در کنار هم.

ده روز، چند ده نفر، چند ده ساعت تلاش کردند که شما ببینید، بشنوید، بحث کنید، بیاموزید و یا آموزش دهید.

این چند ده نفر از خودمان بودند از جنس خودمان، برای خودمان.

در آغاز گفتم که حسنت به اتفاق ملاحت می‌توان جهان گرفت.

و الان می‌گویم و باز می‌گویم که آری، آری، آری

اگر کمی از من‌هایمان فاصله بگیریم.

کمی از فرد بودنمان فاصله بگیریم.

و اگر کمی زوج فکر کنیم.

زوج عمل کنیم.

و بـه زوج بودن اعتقاد پیدا کنیم همه این جهان از آن ماست.

مایی که تجربه سه دهه من بودن را یدک می‌کشیم.

مایی که از این من بودن فقط لبخند نمی‌شود را زده‌ایم.

بیاییم و با هم بودن را تجربه کنیم.

ما یک جامعه هستیم و می‌خواهیم که باشیم.

بدور از هر شعار و به دور از هر .....

لطفا کمی فکر کنید.

احمد مسجد جامعی:

گردهم آمدن عکاسان، باعث ایجاد طراوت نمایشگاه شد

عضو شورای شـهر تهران گردهم آمدن هفت انجمن تخصصی عکاسی در کنار یکدیگر را ابتکار خوبی توصیف کرد و گفت که این کار باعث ایجاد طراوت در نمایشگاه شده است.

احمد مسـجد جامعی، عضو شورای شهر تهران و یکی از شـخصیت‌های فرهنگی کشورمان یکی از مهمانان سـومین دوره «ده روز با عکاسـان» بود. او با شرکت در مراسم افتتاح این رویداد نه تنها از نمایشگاه آثار عکاسان شـرکت کننده در این دوره بازدید کرد بلکه وقتی کتاب «زمان سخت» محسن راستانی در مراسم افتتاح رونمایی شد ضمن خرید یکی از عکس‌های این کتاب از مجید سرسنگی مدیرعامل خانه هنرمندان و مجید ملانوروزی مدیرکل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز خواست هریک یک عکس از این مجموعه خریداری کنند. او پس از دیدن آثار «ده روز با عکاسان» که در تمام گالری‌هـای خانه هنرمندان به روی دیوار رفته بودند، به روابط عمومی انجمن عکاسان ایران گفت:«این نمایشگاه ابتکار خوبی است. به ویژه امسال که گروه‌های مختلف عکاسـان در کنار هم جمع شـدند و کارهایشان را ارایه دادند. جمع شدن طیف‌های مختلف عکاسی به طراوت نمایشگاه کمک کرده اسـت. قطعا ایده‌ها و سوژه‌های جدیدی از این همدلی در پیش رو خواهیم داشت.»

او افزود:«مـن به خانه هنرمندان و بویژه تشـکل‌های عکاسی تبریک عرض می‌کنم. انشالله دکتر سرسنگی هم جای بیسـتری در اختیارشان قرار دهند تا عکاسان کارهای بیشتری ارائه دهند.»

مسجدجامعی همچنین در پاسخ به پرسش که با توجه به مشـکل عکاسان برای عکاسی در سطح شهر، شورای شهر تهران چه پیشـنهاد یا برنامه‌ای در این زمینه دارد، گفت:«عکاسی مشکلی ندارد. من خودم صبح‌های جمعه به همه جای تهران مثل بالای پشت بام‌ها، بالای منارها، مناطق فقیر نشـین، مناطق اعیان نشین، مجتمع‌های مسکونی و..می‌روم و عکاسی می‌کنم، تاکنون با مشکلی رو به رو نشـده‌ام. اگر مشـکلی باشد من حتما پیگیری می‌کنم . این وظیفه جامعه عکاسـی اسـت آنچه را که در فضای عمومی و در سطح جامعه اتفاق می‌افتد، بیان کند. حال آنکه این قشر وظیفه‌شان این است ما نیز باید مقدماتش را فراهم سازیم.»

در پانل «عکاسان جوان و عرصه دفاع مقدس» مطرح شد

ظرفیت‌هایی که امکان جهانی شدن دارند

عکاسان شرکت کننده در پانل «عکاسـان جوان و عرصه دفاع مقـدس» از نحـوه ورود به این عرصـه و فعالیت‌هایی که تا به حال داشـته‌اند، گفتند. فرهاد سلیمانی نیز با اشاره به وجود چنین ظرفیت‌هایی از سوی جوانان ما عنوان کرد که آنها توانایی جهانی شدن را دارند.

بـه گزارش روابط عمومی انجمن عکاسـان ایـران، نهمین روز برگزاری «ده روز با عکاسـان» که هر روز از سوی یکی از هفت انجمن تخصصی عکاسـی برگزار می‌شود، به انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس اختصاص داشـت. پانل «عکاسان جوان و عرصـه دفاع مقدس» در نوبت عصر این روز که دوشـنبه، ۲۹ دی بود، در خانه هنرمندان برگزار شد. کارشناس این پانل فرهاد سـلیمانی و شرکت کنندگان آن حسین بهرامی، حسن قائدی و فاطمه بهبودی بودند.

سـلیمانی در ابتدای این پانل گفت:«در کشـور ما دو بحران رخ داد. یکی انقلاب و دیگری جنگ. عکاسان بسیاری در ثبت این بحران‌ها کار کردند و حاصل همه تلاش‌های هشت سال جنگ و بحران‌های بعد از انقلاب عکس‌ها و نگاتیوهایی بود که در خبر گزاری‌ها، آرشیوها و جاهای مختلف به صورت پراکنده وجود داشت که امکان دسترسی و بازیابی آنها نیز سخت بود. بعد از دو دهه که از شروع جنگ می‌گذشت، کار زیادی انجام نشد. هشت سال جنگ واقعا کم نیست و شاید ما هم دیر شروع کردیم. در سال ۸۰ هفت نفر از عکاسان که کار جنگ کرده بودند انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس را تاسیس کردند و اولین کار این انجمن گردآوری نگاتیوها، ساماندهی آنها و جمع‌آوری آرشیوهایی بود که حاصل کار، ۱۰ الی ۱۵ جلد کتاب بوده است.»

او در مـورد آشـنایی جوان‌ها با فضای جنگ چنیـن گفت:«از باارزش‌تریـن اقداماتـی که انجمن، بـرای جوان‌ها انجـام داد، برنامه‌ریزی‌های مربوط به سـفر بود. طی این سـفرها جوانان با عکاسان جنگ همراه شدند و این حرکت منجر به علاقه هرچه بیشتر این جوانان به این عرصه بود. این سفرها باعث شد گرایش جوان‌ها به سمت فضای جنگ و انقلاب بیشتر شود و ما هم باور کردیم که می‌توانیم پروژه‌های جدیدی تعریف کنیم. شاید بتوانم بگویم یکی از کارهایی که این جوان‌ها انجام دادند، برگزاری مراسم افطار بود که باعث شد عکاسان زیادی گردهم جمع شوند. ضمن اینکه باید بگویم این مراسم حاصل ایده یک عکاس جوان بود یا اگر بخواهم مثال دیگری بزنم باید بگویم آقایان سـعید فرجی و وحید فرجی کسانی بودند که ایده سفر به لبنان را ارائه کردند و خودشان برای عکاسی به لبنان رفتند که حاصل آن کتاب «تبادل» شد.»

سـعید فرجی، یکی از عکاسان جوان شرکت کننده در این پانل

راستانی در «ده روز با عکاسان» کتابش را امضا کرد

رضا میرکریمی: محسن راستانی بزرگ‌تر از عکس است

ادامه از صفحه اول

او در مورد وضعیت عکاسی گفت:«با اینکه عکاسی ایران فاقد هیچ حمایتی است اما توانسته روی پای خودش بایستد. در دنیا نهادها و نظام‌های فرهنگی مختلفی به عکاسان کمک می‌کنند امـا من امروزه برای گرفتن واقعیت از خیابان‌های تهران باید هماهنگ شوم درحالی که برای گرفتن عکس در زمان جنگ نباید هماهنگ می‌شدم و این تراژیک است.»

این عکاس مستند اجتماعی گفت:«کار ما حفظ سند اجتماعی است و عکس‌های ما قرار است ایجاد الگو کنند. حصر دوربین چیزی کمتر از حصر خانگی نیست.»

کاشانی، از دوستان راستانی نیز در ادامه مراسم گفت:«محسن مطالعه می‌کند اما نه با کتاب. او جملاتی می‌گوید که از زبان هیچکس نمی‌شنوید مثلا یکبار گفت دبی شهر بچه‌ها نیست و بعد از آنکه فکر کردم دیدم راست می‌گوید، کسی نمی‌گوید من بچه دبی هستم.»

پس از آن نوبت به رضا میرکریمی، کارگردان شناخته شده ایرانی رسید. او در مورد راستانی گفت:«محسن دوست خیلی خوبی است. راجع به عکاسی می‌گویند، شکارچی زمان است و پشت عکس فلسفه زیادی درباره زمان وجود دارد. محسن این راز را خیلی خوب کشف کرده است چون سوژه‌اش انسان است. او فارغ از جغرافیا، آدمی را پیدا می‌کند که در نگاهش یک پرسش اسـت و همه عکس‌هایش یک نگاه خاص و پرسشی دارند که وقتی به آن نگاه دقت می‌کنید به این نتیجه می‌رسید که انگار یکبار این پرسش را از خودتان پرسیده‌اید. پرسشی در مورد رنج.»

او در مورد تجربه عکاسی راستانی از خودش عنوان کرد:«اگر قسمت شود جلوی دوربین او قرار بگیرید، بلایی سرتان می‌آورد که متوجه تمام رنج بشر می‌شوید، او بعد از اینکه مدت‌ها سرتان

در ادامه برنامه گفت:«مهم‌ترین نکته این سـفر آن بود که آقای میرهاشمی (رئیس هیات مدیره انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس) به من گفتند ما تو را نمی‌فرستیم که عکس بیاوری بلکه تو را می‌فرستیم که تجربه کنی. من تمام تلاشم را کردم تا آنجایی که می‌توانم کارهایی انجام دهم. در همان زمان نیز در پروژه راهیان نور هم شرکت داشتم. هنگامی که از لبنان برگشتم، تصمیم گرفتم از روزنامه بیرون بیایم تا فرصت بیشتری داشته باشم و بعد از آن توانستم به خیلی از کشورها سفر کنم و عکس بگیرم.»

فرجی همچنین به تاثیر آشنایی با گرافیک روی عکس‌هایش اشاره کرد:«هنگامی که در نشـریه «همشهری محله» کار می‌کردم، باید از کوچه و خیابان‌ها عکاسی می‌کردم. وقتی به دفتر روزنامه برمی‌گشتم، دیگر کاری نداشتم. من عکس‌ها را با یک تم انتخاب می‌کردم و آنها را در صفحات خیلی ساده می‌چیدم و از متخصصان این کار در دفتر نشریه، سوال‌هایی می‌پرسیدم. من از کارهایم کتاب درسـت می‌کردم و این مسـئله به من کمک کرد تا با فضای گرافیک در کتاب آشنا شوم. من کارهایم را تولید می‌کردم و چیزی که من متوجه شدم این بود که باید توسط این عکس‌ها داستان روایت کنم.»

فرجی در مورد پروژه‌های دیگر خود چنین توضیح داد:«اولین پروژام در مورد زلزله بم بود. بعد از آن جنگ لبنان و بنگلادش و سپس از قحطی سومالی عکاسی کردم که انشاالله تا چند روز دیگر کتابش آماده چاپ می‌شود. من در این مدت سفارش‌هایی داشته‌ام که فضای بعد از جنگ کشورهایی را که دچار جنگ و بحران بوده‌اند، عکاسی کنم به همین دلیل به لیبی رفتم اما چون خواسته‌های حامی مالی این سفارش با کار من همخونی نداشت، پروژه را رها کردم. من به افغانستان، عراق، ترکیه و سوریه هم برای عکاسی رفته‌ام.»

سخنران بعدی این نشست فاطمه بهبودی بود. او در مورد پیشینه فعالیت‌هایش گفت:«من در سال‌های ۸۴ تا ۸۶ در مرکز هنر جهاد دانشـگاهی تهران عکاسـی خواندم و پس از آن از سال ۸۶ وارد حوزه عکاسی خبری شدم. در خبرگزاری‌های مختلفی کار کردم و خیلی دلم می‌خواست آدم معروفی شوم ولی هنگامی که وارد حیطه عکاسی می‌شوید به این موضع پی می‌برید که یک راه است که باید طی شود تا شناخت حاصل آید. اولین شناخت هم شناخت خود است. پروژه‌ای که برای نمایش در این جلسه آوردم اولین پروژه‌ای بود که توانستم در عرصه بین‌الملل مطرح شوم. این پروژه در مورد داستان ایران و عراق است که سخت هم بود.»

پس از آن فرهاد سلیمانی درباره عکس های پروژه فاطمه بهبودی گفت:«پروژه‌ای که فاطمه بهبودی کار کرده، این است که در واقع از هیچ، یک داستان را به تصویر کشیده و موضوعی است که هیاهو ندارد. حدود ۱۵ یا ۱۶ مادر را انتخاب و با آنها زندگی کرده است. او شب و روزش را با آنها گذرانده تا بتواند این مجموعه عکس را بدست آورد. فاطمه بهبودی امروز گلچینی از این مجموعه را برای نمایش آورده است.»

او با بیان اینکه دوست دارد این پروژه را ادامه دهد، افزود:«آنچه برای من در سفر به مالزی جالب بود این نکته بود که مردم به خوبی با عکس‌هایم ارتباط برقرار می‌کردند.»

قاعدی هم به عنوان عکاس دیگر این پانل گفت:«در مورد پروژه سـوریه می‌توانم بگویم که من یک سال و نیم قبل از اینکه به سوریه بروم طرحش را داده بودم. آن موقع اوایل اعتراضات خیابانی در سوریه بود و طرح من سه بخش داشت اما تا وقتی که مقدمات سفرم به این کشور مهیا شود، حدود یک سال و نیم از ایده اولیه گذشـت و بخش‌های اول و دوم طرحی را که در ذهنم داشـتم، نتوانستم اجرایی کنم.»

او ادامه داد:«در مورد پروژه سوریه، بخش جذاب‌تر آن قسمتی است که به زندگی در کنار جنگ اشاره می‌کند یعنی در همان حین جنگ، عده‌ای در کافه‌ها بسر می‌بردند، یکسری در دانشگاه‌ها و یک عده در کلیسا و مسجد بودند. این همان بخشی است که کمتر دیده می‌شود و پر معناتر است یعنی همراهی مردم با دولت. بزرگترین افتخار من این است که یک بخشی از تاریخی را که در خاورمیانه در حال وقوع است، ثبت کردم هرچند مختصر.»

او اما در مورد توجه مسئولان به عکاسان گفت:« من می‌خواهم چیزی بگویم که شاید درد و دل خیلی از دوستان باشد. هنگامی که مسئولان از عکس‌های ما تعریف می‌کنند، مسیولیت خودشان هم بیشتر می‌شود، ضمن اینکه داغ دل ما را زیاد می‌کنند. بعدها از شما سوال می‌شود مگر نگفتید که اینها خوب کار می‌کنند پس چرا آنها را برای برای کار و عکاسی به سفر نفرستادید؟»

سلیمانی نیز در جمع‌بندی این جلسه عنوان کرد:«هدف از برگزاری پانل این بود که بگوییم پتانسیل بسیار قوی در جوان‌های این کشور وجود دارد و این ظرفیت می‌تواند جهانی شود. خیلی از این بچه‌ها درحال فعالیت هستند، کار می‌کنند اما شاید دیده نمی‌شوند.»

را به اینور و آنور برد و وقتی که دیگر فکر می‌کنید، عکسی در کار نیست یکدفعه عکسش را می‌گیرد و طوری به عکستان نگاه می‌کند و می‌گوید این خودش است که شما هم باورتان می‌شود، چه چیز خاصی است.»

میرکریمی همچنین اظهار کرد:«یکجایی گفتم محسـن یک فیلسـوف جهانگرد است. او همیشه با عکس گرفتن، حال آدم را خوب نمی‌کند بلکه بیشتر با حرف‌هایش است کـه حال آدم را خوب می‌کند. محسـن بزرگ‌تر از عکس است هرچند حق عکاسی را ادا نکرده است. بنظرم باید به خودش اجازه دهد تا از محصول این سال‌هایی که فعالیت کرده است، دیگران هم استفاده کنند. شاید دخترش بتواند او را در این مسئله مدیریت کند و از این پس شاهد کتاب‌های بیشتری از او باشیم.»

علی قلم سیاه، عکاس پیشکسـوت هم در سخنانی کوتاه از انتشار کتاب اظهار خوشحالی کرد و بعد از آن، دختر این عکاس در مورد پدرش گفت:«خودم را در شادی پدرم سهیم می‌دانم. نکته جالب این بود که او در کنار خوشحالی از انتشار کتاب از بابت تاخیر در نشر آن ناراحت بود. فکر می‌کنم این تاخیر جای تامل دارد. شـرکت کنندگان در پانل عکاسان جوان و عرصه دفاع مقدس که پیش از این جلسه برگزار شد، می‌گفتند خوب است که سریع کتاب‌هایشان چاپ شود و نمایشگاه برگزار کنند. این موضوع، تناقض دو نسل است.»

ابراهیم صافی، دبیر سـومین «ده روز با عکاسان» هم عنوان کرد:«همانطور که محسن دلش دردمند است، خیلی هم نوع دوسـت اسـت. یک وصیت برای نوشـته و در کشوی میزم قرار داده اسـت. این وضیت در مورد وظایف عکاسان در قبال نهادهای اجتماعی اسـت. او از جمله آدم‌هایی است که مثل گوچه سـبز می‌ماند، از یک طرف دوست دارید گوچه سبز را بخورید امـا از طرف دیگر گس بودن بعد از ان کمی اذیتتان می‌کند با اینهمه من همیشه هوس محسن را دارم.»

در پایان هم اعلام شـد که قبل از مراسـم اختتامیه «ده روز با عکاسـان» که ۳۰ دی در خانه هنرمندان برگزار می‌شـود، محسـن راستانی از ساعت ۱۷ کتاب «زمان سخت» را برای علاقه‌مندانش امضا می‌کند.

علی فاطمی:
برنامه‌های هفتگی عکاسی ایران را ارتقا می‌دهد

علی فاطمی معتقد اسـت برگزاری برنامه‌هایی مانند همایش، دوره‌های آموزشـی، نمایشگاه و..به صورت هفتگی از سوی انجمن عکاسان هرچند کار سخت و دشواری است اما نتیجه آن ارتقا عکاسی ایران خواهد بود.

به گـزارش روابـط عمومی انجمن عکاسـان ایران، علی فاطمی در نوبت ظهر نهمیـن روز برگزاری «ده روز با عکاسان» کارگاه «مدیریت رنگ در عکاسی و چاپ» را برگزار کرد. نهمین روز «ده روز با عکاسان» به انجمن عکاسـان انقلاب و دفاع مقدس اختصاص داشت که فاطمی از ساعت ۱۳:۳۰ الی ۱۵:۳۰ به ارائه مباحث کارگاه خود پرداخت. بعد از برگزاری کارگاه به سـراغ او رفتیم و نظرش را در مورد نحوه برپایی این جلسه پرسیدیم. او هرچند کوتاه پاسخ داد اما گفت:«این کارگاه در مـورد مدیریت رنگ در عکاسـی دیجیتال بـود. همچنین در مورد مشـکلاتی که عکاسـان در بحث مدیریت رنـگ و فضاهای مختلف رنگی دارند، بحث‌هایی صورت گرفت. ما در بخشی از این کارگاه به این مسئله اشاره کردیم که اگر چنین مشکلاتی پیش بیاید، چه کارهایی باید انجام دهیم و اینکه مشکلات تطابق رنگ‌ها از دوربین عکاسـی گرفته تا مانیتور و مرحله چاپ را چگونه می‌توانند بر طرف کنند.»

فاطمی همچنیـن دربـاره سـومین دوره «ده روز با عکاسان» عنوان کرد:«بهرحال عکاسان، انجمنی دارند و جایی هست که بدانند نهادی به آنها توجه می‌کند، حواسـش به عکاسان هست، برایشـان کلاس‌های آموزشی برگزار می‌کند و آثارشان را به نمایش می‌گذارد. طبیعتا این کارها در روحیه آنها بسـیار موثر است، به طوری که می‌توانند دور یکدیگر جمع شـوند، جلسه بگذارند و مشکلاتشان را عنوان کنند تا هماهنگی‌هایی انجام شود.»

او افزود:«این مسـائل خیلی خوب اسـت. من معتقد هسـتم که با یک دوسـالانه یا برنامـه ده روزه نباید این حرکت‌ها تمام شود. انجمن عکاسان ایران باید به صورت هفتگی برنامه‌هایی مانند نمایشگاه، همایش و دوره‌های آموزشی برگزار کند. البته می‌دانم این کارها بسیار سخت است ولی فکر می‌کنم هنر عکاسی را در ایران بسیار ارتقا می‌دهد.»

بیانیه سومین دوره ده روز با عکاسان

به نام خداوند جان وخرد

تاریخ عکاسی پرتلاطم ایران پس از یکصد و هفتاد سال فرزندان خویش را در خانه‌ی هنرمندان ایران گرد هم آورد تا نقطه عطفی درخشان در تاریخ فرهنگ و هنر این مرز و بوم تجلی یابد. بارقه های نور و جریان های باریـک و روان اراده و خلاقیت به آرامی به یکدیگر پیوستند تا رود خروشان عکاسی ایران در عرصه های تفکر و هنر در ده روز پایانی دی ماه سال نود و سه در سرای هنر ایران کرانه های معرفت خویش را سرمه‌ی چشم مشتاقان سازند.

دستاوردهای ده روز با عکاسان با تلاشی مستمر و اراده ای استوار، پس از سه دهه تلاش در سومین دوره به فرجام رسید و در جنبش و حرکتی خودجوش و با اتکاء به سرمایه های ملّی اندکی از عطش تاریخی عکاسان ایرانی را در کسب استقلال فرکاست و سیراب کرد. از هنگامی که عکاسان و فناوری عکاسی دیوارهای کاخ های قجری، درباریان و دولت را پشـت سر گذاشتند و در میان مردم گام نهادند به نیکی می‌دانسـتند که برای ادامه حرکت، پویایی و چالاکی می بایسـت از سیطره‌ی وابستگی به نهادهای قدرت و دولت رها شـوند و پشـتیبانی را در دست ها و قلب های مردم و اراده‌ی خویشـتن جستجو کنند، اما به این مهم باور نداشتند، به خود نیز باور نداشتند! سا ل ها در پی سال ها گذشت تا ضرورت و لزوم استقلال در فکر و عمل و در وجود عکاسان ایرانی نهادینه شد. پیشگامان عکاسـی در ایران بیرون از دایره‌ی حمایت ها و هدایت های دیگران برای اداره و پیشرفت امور خویش یکدیگر جستجو کرده و همدیگر را یافتند و برای برقراری میثاق و پیوندی مستحکم حلقه‌های اولیه تشکّل‌ها را با درایتی عمیق شناسایی کرده و هسته‌ی انجمن‌ها را شکل دادند و دانستند که با عبور و گذر از وابسـتگی های ناخواسته و با کسب استقلال می‌توانند با مساعدت انبوه عکاسان فرآیند ملّی عکاسی ایران را سازماندهی کرده و درپیشبرد عکاسی این سرزمین به سوی آینده گام بردارند.

برگزار کنندگان سومین دوره‌ی ده روز با عکاسان با آگاهی شعار راهبردی:

با دوربین وارد شـوید را برگزیدند و برای حفظ استقلال و تحقق خواسـته ها نخستین گام اسـتوار و بلند خویش را با شایستگی برداشتند

انتخاب رسانه‌ی عکس و دوربین،

به همراه داشتن دوربین و

با دوربین وارد شدن

بـه عرصه های اجتماعی و فرهنگی نیاز و خواسـته‌ی تاریخی عکاسان ایرانی است که با بیش از یک و نیم قرن تلاش از درون تاریخ معاصر ایران "فرهنگ دوربین" را برای جامعه فرهیختگان ایرانی به ارمغان آورده است.

سومین دوره ۱۰ روز با عکاسان در شرایطی برنامه ریزی و اجرا شد که برای نخستین بار انجمن های هفتگانه عکاسان ایران و رسانه های عکاسی برای تحقق هدفی واحد در کنار یکدیگر گرد آمدند و با همدلی و طرح پرسش‌ها، نیازها و خواسته های اعضای خود به سوی آینده گام برداشتند. دستاورد این تعامل چند سویه به این شرح اعلام می گردد:

۱- تشکیل کارگروه برای تدوین اهداف و برنامه های سند چشم انداز عکاسی ایران

۲- تدوین اساسـنامه‌ی اتحادیه سراسری انجمن های عکاسی ایران

۳- برنامه‌ریزی برای ادامه کار دبیرخانه دائمی ۱۰ روز با عکاسان برای ایجاد تعامل مستمر با تشکل های عکاسی ایران

۴- طـرح و برنامه برای ایجاد کمیته هـای پژوهش و آموزش تخصصی در انجمن های عضواتحادیه در تعامل با نهادهای علمی و آموزشی کشور در مراکز آموزش عالی، آموزشگاه‌های خصوصی وانجمن سینمای جوانان ایران

۵- تشـکیل کارگروه مشترک حقوقی میان نهادهای ذیربط در قوای سه‌گانه، نیروی انتظامی وانجمن های عکاسی برای دستیابی به راه‌کارهایی در جهت حمایت از حقوق فردی و اجتماعی عکاسان ایرانی در چارچوب قوانین کشور

۶- تشکیل کارگروه برای بررسی وضعیت عکاسی معاصر ایران

۷- نقد و بررسـی عملکرد تشـکل‌های عکاسـی، گروه های برنامه‌ریزی و اجراء در برگزاری سومین دوره ۱۰ روز با عکاسان

۸- توسـعه و بکارگیری ظرفیت های کمیته روابط عمومی در انجمن ها برای ایجاد تعامل میان اعضاء، ارتباطات رسـانه‌ای و ارتباطات بین المللی با نهادهای عکاسی خارج کشور

۹- انتشار کتاب عکس سومین دوره و بررسی امکان چاپ و انتشار کتاب عکس دوره های پیشین ۱۰ روز با عکاسان

۱۰- آماده سـازی، انتشار و عرضه‌ی گزارش کارگاه ها و نشست های تخصصی انجام شده در قالب متن و لوح فشرده

۱۱- تلاش برای بستر سازی مطالعات و فعالیت های میان رشته ای در تعامل و تفاهم با نهادهایی مانند: انجمن انسـان شناسی، انجمن جامعه شناسی وانجمن روانشناسی ایران

۱۲- گسترش و فعال سازی کمیته‌های مرتبط با تشکل‌ها، جشنواره و مسابقات در انجمن عکاسان ایران و سایر انجمن ها برای حضور و تعامل در مراکز اسـتان ها برای افزایش مشارکت، همکاری و فعالیت یکپارچه عکاسی در ایران

۱۳- تلاش برای ایجاد انگیزه در میان مشـتاقان فرهنگ و هنر ایران زمین در حمایت های همه جانبه از انجمن ها، تشکل‌ها و جنبش‌های هنری و فعالیت‌های عکاسی در کشور

۱۴- شوراهای اسلامی شهرهای ایران و شهرداری های سراسر کشور در تعامل با اعضای رسمی انجمن های تخصصی عکاسی در تدوین و تنظیم مصوبه ای مساعدت و یاری نمایند تا بر مبنای آن عکاسان نیز بتوانند مانند سایر فعالان عرصه‌ی فرهنگ و هنر در مکان های شخصی، آتلیه و کارگاه هنری خویش آزادانه به فعالیت حرفه‌ای بپردازند.

سخن آخر این که برگزاری همایشی همسو و نمایشگاهی فراگیر میسر نبود مگر با همراهی و همگامی:

انجمن عکاسان ایران

انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران

انجمن عکاسان میراث فرهنگی

انجمن عکاسان تبلیغاتی، صنعتی و معماری ایران

انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس

انجمن عکاسان تئاتر ایران

انجمن عکاسان سینمای ایران

و

پایگاه عکس چیلیک

دوربین دات نت

سایت عکاسی

کلوپ عکس ایران (وان پیکس)

مجید ملانوروزی:

گردهم آمدن انجمن‌های یک تشکل حرفه‌ای را رقم می‌زند

مدیرکل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پس از بازدید از سومین دوره «ده روز با عکاسان» ضمن فاخر نامیدن آثار این نمایشگاه اظهار کرد که گردهم آمدن هفت انجمن تخصصی عکاسی در کنار یکدیگر موجب شکل گیری یک خرد جمعی و تشکل حرفه‌ای می‌شود.

مجید ملانوروزی، مدیرکل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یکی از مهمانان سومین دوره «ده روز با عکاسان» بود که در اولین روز برگزاری آن یعنی مراسم افتتاح نمایشگاه نیز حاضر شد. او پس از برگزاری مراسم افتتاح از آثار «ده روز با عکاسان» که در تمام گالری‌های خانه هنرمندان به نمایش گذاشته شده بود، دیدن کرد. ملانوروزی پس از تماشای آثار عکاسان به روابط عمومی انجمن عکاسان ایران گفت:«کارها از دو منظر اهمیت دارد، در درجه اول آنکه آثار فاخر هنر عکاسی هستند و دوم آنکه هفت انجمن تخصصی عکاسی در کنار هم جمع شده‌اند تا این نمایشگاه شکل بگیرد. این خرد جمعی باعث می‌شود یک تشکل حرفه‌ای را رقم بزنند که آنها بتوانند کل حوزه تخصصی عکاسی را اداره کنند.»

او در مورد تاثیر گردهم آمدن عکاسان و انجمن‌های تخصصی عکاسی عنوان کرد:«معمول است بین هنرمندان به جهت شیوه و به جهت کارها یا شاید نوع وظایفی که بر عهده می‌گیرند، تفاوت‌ها یا اختلاف سلیقه‌هایی باشد، حال آنکه همه انجمن‌ها برای این نمایشگاه کنار هم جمع شدند، یک تشکل واحد را گرد آوردند که اتفاق خوبی است.»

ملانوروزی ادامه داد:«این حرکت از این منظر هم که معمولا حاکمیت فردی مطرح است و با این کار چنین موضعی کمرنگ می‌شود، نکته پر اهمیتی را رقم می‌زند. امیدواریم تمامی انجمن‌های دیگر مثل نقاشان و طراحان گرافیک هم بتوانند از تمامی ظرفیت خود استفاده کنند و کارهایی که می‌کنند شاخصه کلیه انجمن‌ها را در بر داشته باشد. بهرحال این اتفاق بسیار میمون و مبارک است.»

سمفونی زیبای تصویری

مژگان الماسیان

در روزگار دوربین های کوچک و بزرگ و انواع مدیاهای گوناگون دیجیتال، در زمانی که هر فرد می‌تواند عکاس و خبرنگار باشـد و عکس‌هایش را به سرعت در سراسر دنیا منتشر کند، زمانی که هر فرد به تنهایی فقط با یک کامپیوتر، تبلت یا موبایل به راحتی می‌تواند با کل دنیا در ارتباط باشـد، کنار هم بودن و همراه شدن بسیار اهمیت دارد. این روزها شاهد همراهی‌های زیبا و پر از انرژی مثبت هستم. همراهی عکاسانی که هر کدام یک دنیا استادی عکاسـی هستند با یک هدف مشترک همه در کنار هم. اینجا تنها عکاسی مهم است و عکس. چند ماه است که عکاسـان با رویکردهای مختلف سینمایی، تئاتر، میراث فرهنگی، دفاع مقدس، تبلیغات، مطبوعات در کنار انجمن عکاسان ایران پس از جلسه‌های هماهنگی، برنامه‌ریزی سومین دوره ۱۰ روز با عکاسان انجام گرفت و اکنون به روز نهم آن رسـیدیم. ۱۰ روز است که عکاسان در کنار یکدیگر سمفونی زیبا، چشم‌نواز و تامل برانگیز تصویری را رقم زدند. ده روز به یاد ماندنی.

تکیه به بزرگان

لیلا حیدری فرد

۱۰ روز اسـت کـه شـاهد تلاش‌هـا و مهربانی‌هـا و بزرگواری‌های شـما عزیزان بودم و دیدن جمع بزرگی از عکاسان از پیشکسوتان گرفته تا جوانترها باعث دلگرمی است و حالا می‌دانم که می‌توانم به بزرگترها در این حرفه تکیه کنم. در تمام ورک‌شاپ‌ها شرکت کردم و احساس کردم گاهی توقع من و هم نسل‌های من که سعی در به روز بودن داریم، برآورده نمی‌شود.

به نامت

امید محمد نژاد*

یک عمر عکاسی و ۱۰ روز با عکاسان از بزرگترین خوش شانسی‌های زندگیم بود. دیدن عزیزان دلی که کنارشان بودن برام افتخار بوده و هست و بسیار چیز فرا گرفتم.

رویداد ۱۰ روز با عکاسـان برام شـبیه به یک میهمانی خانوادگی و محترم بود و قطعا در روزگار آتی نوسـتالژی عزیزی می‌شـود. هر روز از این ده روز برایم پر از هیجان بود و انرژی. خوب، مدت‌هاست که در حوزه فرهنگ و هنر اجراهای مختلف صحنه داشته‌ام اما هر بار کار استادم مسعود زنده روح کرمانی حکم دانشگاه و آموختن داشت. نگاه نو، مدرن و اصولی این آدم همیشه و اینبار بیشتر به من جسارت داد. برای مثال یکی از اتفاقات شیرین و بامزه این ۱۰ روز برای من «تیپ‌سـازی» بود که با مشورت و راهنمایی‌های مسعود و روسای انجمن‌ها شکل می‌گرفت و همین امر باعث شد که امید محمدنژاد برای تماشاچی و مخاطب تکراری نشود اما به جرات و بی‌تعارف می‌گم که یکی از سخت‌ترین کارهای تمام عمرم بود و انتخاب لباس مناسـب برای هر روز و انتخاب مطالبی که روی صحنه باید می‌گفتم یا بازی می‌کردم بسـیار بسیار امر دشوار و جذابی بود. در واقع امید محمدنژاد در جایگاه یک بازیگر مجری روی صحنه ظاهر می‌شد. بارها و بارها جرات کردم و بی‌پروا گفتم که خـوش به حال من که این افتخار رو دارم که تمام قد در حضور نازنینتان بایستم و زل بزنم تو چشماتون و بگم من عاشقتونم، من مخلصتونم.

راستی اگر این ده روز یک روز دیگر ادامه میافت و می‌شد یازده روز، قطعا من مجبور بودم که با لباس و در هیبت یک عروس روی صحنه ظاهر شوم. «این شوخی پشت صحنه ما بود با رفقای برگزار کننده».

مجری سومین «ده روز با عکاسان»

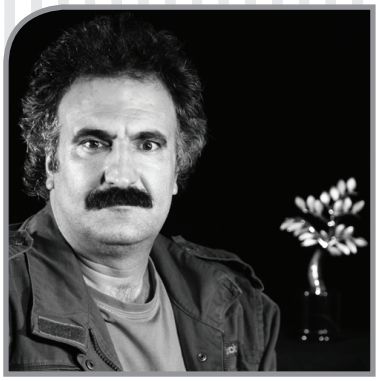

سخن گفتن در آیینه

حسن غفاری

عکاسی به سلیقه می‌ماند که در وجود آدم‌ها متفاوت دیده می‌شود، عکاسی با دانایی و توانایی افراد شکل می‌گیرد، وسیع است و بی‌تعریف و با کاربردهای بی‌شمار. همه افراد یک جامعه می‌توانند دوربین به دسـت باشند و از فرآیند و قدرت جادویی بازنمایی دوربین اسـتفاده کنند و از این طریق با هم سخن بگویند، خاطره تعریف کنند و تشویق و نکوهش کنند و احساس و اندیشه خود را جاری سازند؛ همچون دانستن حروف الفبا برای خواندن ونوشتن.

زندگی جمعی و جامعه سالم همچون قسمت‌های منظم و درسـت چیده شده پازلی اسـت از علوم و فنون، هنر و فرهنگ، سیاست و امنیت، اقتصاد و معیشت، انضباط و بهداشت و....

سـاختن و پرداختن به عکس و عکاسـی تحت عنوان رفتارهای هنری و فرهنگـی در جامعه امروزی ما امری اسـت عادی و اشباع شـده، لیکن هر دوربین به دستی عکاس نیسـت، همانطور که هرگردی را نمی‌توان گردو گفت. حساب کار عکاسـان از آدم‌های دوربین به دست جداسـت اما مرز تشـخیص فیزیکی این افراد در جامعه سخت است و دشوار.

جامعه و فرهنگ، تمام زمین و زمان ما را شامل می‌شود. ما عکاسان پراکنده و گم شده در پی تعریف و ساخت بهتر جامعه‌ای هستیم که تعریف و جایگاهی مشخص در آن نداریم از این رو ده روز از سـال را با هم شـدیم تا با هم سـخن بگوییم بلکه به نشانی از جایگاه بهتر و کارآمدتر در فرهنگ و جامعه برآییم، در سـومین سـال ده روز با عکاسـان ایران چنین احساس می‌شود که مخاطبی جز جمع خودمان نداریم و در آیینه سخن می‌گوییم.

سمفونی زیبای تصویری

ابراهیم صافی

ده روز پر مهر را پشت سر گذاشتیم، با خاطراتی تلخ و شیرین، با فراوان نکاتی آموزنده، پراسترس گاهی تند گاهی آرام. گاهی خنده و شوخی گاهی جدی و اخم.
بیشترین هدیه لبخند شما بود که یا حاکی از رضایتتان از برنامه‌ها بود و یا لطف و مهربانی و صبرتان از کمبودها. در هر صورت دلگرممان کردید برای آینده‌ای بهتر و روشن از این تجربه گرانبها. آموختیم در کنار همه بودن را و به ثمر نشستن هدفی مشترک را، آموختیم گذشت را و گرفتن دستان یکدیگر را. دلمان تنگ این روزها و شب‌ها خواهد بود و یادش هر چند سختی‌هایی به همراه داشت به نیکی باقی خواهد ماند.

لحظات غیر قابل بازگشت

نامور عباسیان

ده روز با عکاسان، ده روز با هنرمندان، ده روز با همراهانی که با گذشت آن جان و مال و خطرات فراوان لحظات غیر قابل بازگشت را به تصویر می‌کشند. افتخاری بود که با همراهی دوستان عزیز در خدمت عکاسان انجام وظیفه نموده و امیدوارم توانسته باشیم یک قدم کوچک در ارتقاء سطح فرهنگی و جایگاه عکاسی در کشور برداشته باشیم.

حیف از تمام شدن

کامیار کوشان

ده روز را با تمامی خوبی‌ها و بدی‌ها پشت سر گذاشتیم اما چه حیف که تمام شد با انسان‌هایی آشنا بودم و شدم که خالصانه با تمامی موقعیت‌ها و اعتبارات شخصیتی که برای خود داشتند با کمال تواضع به برگزاری این همایش یاری رساندند، تواضعی که حتی آماتورترین عکاسان هم مایل به انجام بعضی از کارها نبودند چیزهای زیادی را یاد گرفتم دلم بسیار برایشان تنگ می‌شود ده روز را بسیار خوب دیدم، بسیار با نظم و دقت در مدیریت و کم حاشیه در اجرا اما چه حیف که خیلی از عکاسان این همایش را جدی نگرفتند نمی دانم چرا؟
«شیشه نزدیک تر از سنگ ندارد خویش/هر شکستی به هر کس رسد از خویش است»

روزهای سخت ولی شیرین

مریم منصوری

سعادت حضور و یاری در دو دوره از سه دوره ده روز با عکاسان را داشتم که در این دوره با دوستانی آشنا شدم با توجه به اینکه جزء اساتید بودند و از درجه هنری بالایی برخوردار بودند اما شبانه روز در این ده روز همکار و همیار ما بودند و در این روزهای سخت ولی شیرین ما را تنها نگذاشتند. چیزهای زیادی در این ده روز آموختم: متواضع بودن، همکاری و همدلی با دیگران و صمیمانه و از ته دل از همه دوستانی که ما را یاری دادند، سپاسگزارم.

روزهای فراموش نشدنی

یداله ولی زاده

ده روز به یاد ماندنی، ده روز فراموش نشدنی، ده روز اتحاد و یگانگی، ده روز بهاری عکاسی در دل زمستان و ده روز هر چه اتفاق خوب و دوست داشتنی، به همت (اینجا دوست دارم اسم انجمن نبرم و اسم شخص ببرم) کسی که دغدغه‌اش، زندگی‌اش، روحیه‌اش و تفکرش انگار با عکاسی و عکاسان گره خورده، لازم داشتیم، تمرین کنیم تا ببینیم می‌توانیم کنار هم باشیم. لازم بود تا درگیر کارهای بزرگ شویم تا به همه ما ثابت شود که نیاز به دولت و قیم و سرپرست و دستور از جانب دیگران نیست. ما خودمان اگر بخواهیم، می‌توانیم. باعث آغاز حرکتی شدیم که در ذهن فعالان حیطه هنر ثبت شد. بدین طریق توانستیم با صدای بلندتری صحبت کنیم. فریاد کنیم تا گوش‌های سنگین مدیران دولتی و غیر دولتی کمی بشنود و چشم‌های کم سوی آنان ببیند، سخت بود، خستگی داشت، بی‌خوابی داشت، ولی انگیزه داشت. انگیزه بود که سختی و بی‌خوابی و اعصاب‌های خورد شده در زیر بار فشار کار طاقت فرسا را قابل تحمل می‌کرد و در انتها مدیری که نه مدیر بلکه دوستی به عنوان مدیر تمام فشارها را یک تنه تحمل می‌کرد و با خونسردی و متانت به همه روحیه می‌داد. خوشحال می‌شد و خوشحال می‌کرد. روحیه می‌داد و در عین حال مدیریت می‌کرد. با تشکر از تمام دوستان و همکاران ابراهیم دوست داشتنی و مسعود عزیز.

کاغذباتله

www.doorbin.net

ویژه‌نامه کاغذباتله / نشریه روزانه سومین دوره ۱۰ روز با عکاسان ایران/شماره ۱۰

با مسوولیت: احسان رافتی داریان /**دبیر همایش:** ابراهیم صافی /**سخنگوی همایش:** کاووس صادق لو /**مدیر نمایشگاه ها:** مجید ناگهی /**دبیر اجرایی:** کامیار کوشان

دبیر تحریریه: مسعود زنده روح کرمانی /**همکاران تحریریه:** مژگان الماسیان و مهنا رنجبر مقدم /**عکس:** وحید حسامیان، لیلا ابراهیمی و حامد فخاران

روابط عمومی: محمدمهدی رحیمیان /**گروه اجرایی نشریه:** سبحان فرج ون، احسان صباغی، احمد عرب سعیدی

با تشکر از: مدیرعامل خانه هنرمندان، سازمان زیباسازی شهر تهران و مریم منصوری

کالد®

حامی فرهنگ و هنر

Nikon | سازمان زیباسازی شهر تهران | موسسه سینما شهر | NTP نوین تجارت پارسیان ntpteam.com | www.parhoun.ir | www.artmarsab.com | نیکو نگرش نماینده انحصاری محصولات عکاسی نیکون در ایران www.nikon.co.ir | ABC Alkaline | NOOR NEGAR | خانه‌ی هنرمندان ایران

پیام مدار سبز نوین به ده روز با عکاسان

تاثیر شگرف برگزاری اینگونه همایش‌ها بر تقویت و توسعه فرهنگی و نیز تعالی کیفی هنر عکاسی به عنوان یکی از سرمایه‌های ارزشمند ملی، قابل انکار نبوده و این شرکت نیز به نوبه خود، همواره سعی در ادای سهمی در حد استطاعت، در جهت نیل به اهداف مشترک تمامی فعالان و دست اندرکاران این عرصه، داشته است. حمایت از این هنر و جامعه هنرمندان و تلاش در جهت فراهم نمودن بستری مناسب برای رشد و ارتقای هرچه بیشتر آنان، از جمله اهدافی است که مدار سبز نوین را بر آن داشت تا به عنوان حامی همایش ده روز با عکاسان ایران، این رویداد فرهنگی و هنری با ویژگی‌های خاص خود را دستمایه حرکت در این مسیر قرار داده و از تمامی امکانات خود در راستای افزایش آگاهی عمومی و نیز ترغیب عکاسان و علاقمندان به این رشته، کمال بهره‌برداری را بنماید.

علاوه بر آن، ایجاد بستری مناسب جهت معرفی محصولات قابل ارائه توسط شرکت مدار سبز نوین در زمینه طیف وسیعی از باتری‌های خاص مورد مصرف در انواع تجهیزات عکاسی و اقلام مربوطه، با توجه به حساسیت بالای شرکت در انتخاب تولید کنندگان مربوطه، خود تاثیری بسزا در بهبود کیفی این دستگاه‌ها و بالتبع خروجی آن خواهد داشت. این شرکت در طول سال‌های فعالیت خود، همواره سعی در انتخاب و در اختیار گذاردن محصولات مورد نیاز در بهینه‌ترین حالت داشته و به حمدالله در این مسیر به توفیقات بسیاری نیز دست یافته است. خداوند را شاکریم و قدرت حرکت مداوم در مسیر خدمت را از او خواستاریم.

گزارشی از کارگاه محمد غفوری

غلط است بگوییم عکس‌ها باید حرف بزنند

محمد غفوری در بخشی از کارگاه «عکاسی مستند» گفت که یکی از خصیصه‌های کارهای مستند امروزی قرارگرفتن عکس همراه با متن است و این خیلی حرف غلطی است که بگوییم عکس‌ها باید حرف بزنند.

به گزارش روابط عمومی انجمن عکاسان ایران، محمد غفوری که قرار بود کارگاهی «عکاسی مستند» خود را روز شنبه، ۲۷ دی برگزار کند، به فاصله دو روز بعد این کارگاه را روز دوشنبه، ۲۹ دی برپا کرد. او در بخشی از این کارگاه گفت:«یکی از مجموعه عکس‌هایی را که می‌خواستم در این کارگاه نمایش بدهم، متاسفانه همراهم نیاوردم ولی برایتان توضیح می‌دهم. حدود ۱۰ سال پیش خانمی از دانشگاه آزاد پیش من آمد و مجموعه عکسی از جوان‌ها با آخرین مد در خیابان‌ها را نشان داد ولی خیلی از این عکس‌ها با ترس و لرز گرفته شده بود.»

او در شرح این ماجرا توضیح داد:«این خانم به من گفت که می‌خواهد روی این موضوع کار کند. من گفتم به این شکل فایده‌ای ندارد و کاری که بخواهد با ترس و لرز انجام گیرد بدرد نمی‌خورد. او یک استدیو هم داشت و من گفتم برو و با این افرادصحبت کن و از آنها دعوت کن به استدیو بیایند تا از آنها عکس بگیری. این خانم ۵۰۰ کارت ویزیت چاپ و در مکان‌های مختلف پخش کرد مثلا در جاهایی مثل تجریش، اکباتان و... چند ماه این کار طول کشید و بعد از آن حدود ۳۰ نفر حاضر شدند به استدیو بروند. از هر نفر حدود ۳۰۰ الی ۴۰۰ عکس‌های بسیار راحتی گرفت به طور مثال آقا پسری که روی پوست بدنش تتوی نامش بود، عکس گرفته شده بود.»

غفوری افزود:«این خانم عکس‌ها را همانند کلاژ چید و نسبت اندازه‌ها را کم یا زیاد کرده بود. بعد از انجام این کار ما پرسشنامه‌ای تنظیم کردیم که راجع به سن، رشته تحصیلی، نوع موسیقی که افراد به آن علاقه دارند، میزان هزینه‌ای که در هر ماه برای لباس خرج می‌کنند، از چه نوع لباس‌هایی خوششان می‌آید و..در آن پرسشنامه مطرح کردیم. این افراد پرسشنامه را نیز جواب دادند و پس از اینکه کار تمام شد ۱۵ نفرشان انتخاب شدند.»

او در مورد یک کار پژوهشی و مستندنگاری گفت:«فرض کنید اگر به شکل اولش این کار صورت می‌گرفت یکسری عکس داشتیم که در خیابان گرفته شده بود و نمونه مشابه

آن را خودتان هم در جاهای دیگر می‌بینید اما این پروژه را به هرکسی نشان می‌دادیم با ولع به آن نگاه می‌کرد و با ولع پرسشنامه‌ها را می‌خواند مثلا یکی از سوژه‌ها خانمی با سر و وضع بسیار خاص از محله پاسداران بود. رشته تحصیلی او حقوق و دندانپزشکی از کشور آلمان بود اما شغلش ترمیم ناخن بود. او سال‌هایی از عمرش را در اروپا زندگی کرده بود، هنرپیشه مورد علاقه‌اش را محمدرضا گلزار و بهرام رادان معرفی کرد و حتی نام یکی از هنرپیشه و یا موزیسین‌های اروپایی را نمی‌شناخت. بنابراین وقتی در مورد یک موضوع بررسی می‌کنیم و مجموعه تصاویر و نوشتارهایی جمع می‌شود، عمل با ارزش‌تری برای ما بوجود می‌آید.»

او همچنین گفت:«یکی از خصیصه‌های کارهای مستند امروزی این است که عکس همراه با متن است. این خیلی حرف غلطی است که بگوییم عکس‌ها باید حرف بزنند. این مسئله خیلی سال است که رد شده، به خصوص به دلیل مناسباتی که امروزه داریم، اگر شما در کنار عکس‌هایتان مطلب نوشته شده داشته باشید قطعا بسیار کار قوی‌تری کرده‌اید.»

پس از آن از سوی یکی دیگر از شرکت کنندگان این سوال پرسیده شد که تمامی عکس‌های نمایش داده شده در این کارگاه از عکاسان خارجی بود و عکاسی مستند در ایران چگونه است که غفوری گفت:«شیوه نگرش بسیار مهم است. اتفاقی که در ۳۰ سال اخیر در حوزه عکاسی مستند افتاده، علاقه‌مندی اجتماعی، متحول کردن و دیگری اضافه کردن مطلب به عکس است. در مورد ایران ما از این نظر خیلی ضعف داریم که یکی از دلایل آن مانع تراشی و دیگری این است که کار مستند اجتماعی سفارش دهنده می‌خواهد.»